



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

▪ مقاله کاری شماره (4) / بهار 1391

▪ تورق چیست؟

▪ وهاب قلیچ



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

پژوهشکده پولی و بانکی

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

تهران: میدان آرژانتین، ابتدای بزرگراه آفریقا، روبروی پارکینگ بیهقی، پلاک 10

کدپستی: 1514947111 صندوقپستی: 15875-7949

www.mbri.ac.ir

- دیدگاه و نظرات ارائه شده در این مقاله متعلق به نویسندگان بوده و لزوماً نظر پژوهشکده پولی و بانکی را منعکس نمی‌کند.
- کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پژوهشکده پولی و بانکی می‌باشد، لیکن استفاده از نتایج این مقاله با ذکر منبع بلامانع است.



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

▪ فهرست مطالب:

1. مقدمه	5
2. تعریف تورق	5
3. تاریخچه تورق	6
4. انواع تورق	6
5. نقش تورق جدید در تجهیز و تخصیص منابع بانکی	7
1-5. تجهیز منابع بانکی	7
2-5. تخصیص منابع بانکی	9
6. تفاوت تورق و توریق	10
7. جواز یا عدم جواز تورق	10
8. خلاصه و نتیجه گیری	12
9. منابع و مأخذ	13



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

مقاله کاری شماره (4) / بهار 1391

تورق چیست؟ وهاب قلیچ¹

چکیده

اگر فردی کالایی را به طور نسبی خریداری کرده و آن را به طور نقد با قیمت کمتر از قیمت اولیه به شخص ثالثی بفروشد، به این فرایند، تورق گویند. تاریخچه استفاده از تورق در نظام بانکی به یک دهه می‌رسد؛ اما خود بیع تورق در مباحث فقهی امر جدیدی نیست و در گذشته کاربردهای گسترده‌ای داشته است. تورق را به دو نوع سنتی (واقعی) و جدید تقسیم می‌کنند. در تورق سنتی، سه نفر حقیقی در بازار با یکدیگر وارد معامله می‌شوند؛ اما در تورق جدید بیشتر، افراد و بانک‌ها درگیر آن هستند تا اشخاص حقیقی و هدف اصلی آن، جذب و تخصیص نقدینگی با اهداف اقتصادی بانک‌ها، نهادها و مؤسسات مالی می‌باشد. این اثر پس از معرفی تورق و انواع آن به بررسی نقش و مکانیسم تورق جدید در تجهیز و تخصیص منابع بانکی اشاره داشته و سپس به بررسی فقهی اقتصادی جواز و یا عدم جواز استفاده از آن می‌پردازد.

کلمات کلیدی: تورق، ابزار مالی، تجهیز و تخصیص منابع بانکی، فقه اسلامی

طبقه‌بندی JEL: G21, G24

¹ کارشناس ارشد پژوهشکده پولی و بانکی، گروه بانکداری اسلامی
پست الکترونیکی: vahabghelich@gmail.com



۱. مقدمه

نوآوری‌های مالی در هر زمان، ابزارهای مالی نوینی را برای پیشبرد نیازهای مالی به وجود می‌آورند. اگرچه در اقتصاد قدیم، تمرکز عمده روی بازار کالاها و خدمات بود، لیکن اقتصاد جدید از یک فرایند جدید بهره‌مند شده که طی آن، بخش مهمی از تولید، مبادله، توزیع و سودآوری، از به‌کارگیری ابزارهای بدهی مشتق می‌شود.

از جمله ابزارهای مالی، ابزارهای مبتنی بر بدهی است. گرچه ناهمگونی بسیاری در این ابزارها وجود داشته و استاندارد خاص و روش واحدی برای ارزیابی کیفیت بدهی‌ها جهت تبدیل به نقدینه شدن وجود ندارد؛ اما ایجاد و استفاده از این ابزارها در اقتصاد مالی، گسترش روزافزونی دارد. همچنین این ابزارها در سفته‌بازی‌های قمارگونه نسبت به بازار کالاها و خدمات بسیار آسیب‌پذیرتر و پرنوسان هستند. علاوه بر این، قیمت این اوراق در واکنش به اخبار و شایعات، بسیار حساس و آسیب‌پذیر بوده و دامنه نوسان بیشتری دارد.

در اقتصاد اسلامی، مدیریت نقدینگی و عرضه پول، متناسب با نیازهای بخش واقعی اقتصاد است و تأکید متفکران نظام اقتصادی اسلام، همواره بر همگرایی بخش مالی با بخش واقعی و حقیقی اقتصاد بوده است (صدیقی، 2007). از این رو، به‌کارگیری ابزارهایی از این دست در نظام بانکداری، نیازمند بررسی بیشتری است که جای خالی آن در ادبیات موجود اقتصادی کشور احساس می‌شود. تورق² از جمله ابزارهای مالی و یکی از معاملات شرعی با سود ثابت است که در بازارهای مالی اسلامی جهت تامین نقدینگی به کار گرفته می‌شود. این ابزار مالی که بر مبنای معامله کالاها و واقعی است، موجب می‌شود که نقدینگی مورد نیاز فراهم گردد. به عبارتی، تورق فرایندی جهت به‌دست‌آوردن نقدینگی در زمان حال در ازای تعهد به پرداخت مبلغی بیشتر در آینده است.

در این مقاله سعی داریم پس از معرفی این ابزار مالی، نحوه استفاده از آن در نظام بانکداری را شرح داده و امکان استفاده از آن را از لحاظ شرعی بررسی نماییم.

۲. تعریف تورق

تورق از کلمه الورق به معنای «درهم‌های مضرابه» ریشه گرفته³ و به معنای مال و پول زیاد، نقره مسکوک و غیرمسکوک نیز تعریف شده است (ابن منظور، 1414 ه.ق). به نقلی دیگر، تورق را از آن جهت با این نام خوانده‌اند که اشاره به ورق به معنای پول کاغذی دارد، یعنی معامله‌ای که فرد در پی کسب خود کالا نیست بلکه درصدد کسب ورق (نقدینگی) است (ابن منظور، 1408 ه.ق). همچنین برخی دیگر، ورق را سکه نقره‌ای گفته‌اند و تورق را فرایندی نامیده‌اند که فرد نیازمند به پول (متورق)، مالی را به طور نسبه می‌خرد و به صورت نقد به شخص ثالثی می‌فروشد (جعفری لنگرودی، 1378، 962).

برخی نیز تعریف تورق را در مقایسه با بیع‌العینه⁴ عنوان کرده‌اند. فرض کنید که فردی کالایی را به طور نسبه خریداری کرده و آن را به طور نقد با قیمت کمتر از قیمت اولیه به فروش برساند. اگر فرد آن کالا را به همان فرد اول بفروشد، این همان بیع‌العینه است؛ ولی اگر فرد آن را به شخص ثالثی بفروشد، به این فرایند، تورق گویند. از این رو علت آنکه نام این معامله را تورق نامیدند، می‌تواند این باشد که فرد در خرید نسبه قصد استفاده از خود کالا را ندارد بلکه می‌خواهد با فروش نقدی آن، به نقدینگی (ورقه مالی) دست یابد و نیازمندی‌های خود را برطرف نماید. در روش درست اجرای تورق (به منظور کسب نقدینگی) سه بخش واقعی و متمایز از هم به نام‌های مشتری، فروشنده و خریدار و همچنین دو عملیات فروش متمایز و مجزا (فروش 1 و فروش 2) وجود دارد.

² - Tawarruq

³ - فَأَبْعُوا أَحَدَكُمْ بَوْرَقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ. سوره کهف آیه 19

⁴ - بیع‌العینه به دو صورت مجاز و غیرمجاز قابل تصور است که در ادامه، توضیح داده خواهد شد.



جدول 1- عملیات تورق (به منظور کسب نقدینگی) به زبان ساده

فروش	عملیات
فروش 1	مشتری با پرداخت تأخیری، کالا را به طور نسیه از فروشنده می‌خرد و مالکیت حقیقی کالا را از آن خود می‌کند.
فروش 2	مشتری همان کالا را به طور نقدی به فرد دیگری (متمايز از فروشنده اولیه) می‌فروشد و مالکیت کالا به طور واقعی به آن فرد (خریدار دوم) منتقل می‌شود.

۳. تاریخچه تورق

تاریخچه استفاده از تورق در نظام بانکی به یک دهه می‌رسد؛ اما خود بیع تورق در مباحث فقهی امر جدیدی نیست و در گذشته کاربردهای گسترده‌ای داشته است. البته عقد تورق تنها در منابع حنبلی‌ها با این نام مورد استفاده قرار گرفته و در کتب فقهی شیعه، فاقد بحث مستقل بوده است. این تجربیات در گذشته به طور سنتی و در یک سازوکار غیرسازمانی جریان داشته است؛ جایی که یک نفر به سادگی یک کالا را به طور نسیه می‌خرد و سپس آن را به طور نقد با قیمت پایین‌تر به نفر سوم می‌فروشد. اما امروزه تورق به طور نظام‌مند و سازمان‌یافته جریان می‌یابد که این امر به پیچیدگی استفاده از آن افزوده است.

تاریخچه استفاده از تورق در نظام بانکداری به اکتبر سال 2000 در بانک‌های انگلیسی سعودی برمی‌گردد. بعد از این تاریخ، تورق در نظام‌های بانکداری کشورهای مختلف در چندین نوبت استفاده شده است. به عنوان مثال، بانک الجزیره در سال 2002 از تورق بانکی استفاده کرده است و یا بانک آمریکایی سعودی⁵ نیز از این ابزار بهره برده است (فاضل الدبو، بی تا؛ الشلهوب، 2007).

۴. انواع تورق

تورق را به دو نوع سنتی (واقعی) و جدید تقسیم می‌کنند. در تورق سنتی، سه نفر حقیقی در بازار با یکدیگر وارد معامله می‌شوند. نفر اول کالایی را به طور نسیه از نفر دوم می‌خرد و همان کالا را به طور نقد به نفر سوم می‌فروشد. این معاملات در بانک هم می‌تواند اجرایی شود، بدین صورت که یک نفر کالایی را به طور نسیه از بانک بخرد و سپس آن را به طور نقد به فرد یا بانک دیگری بفروشد و نقدینگی مورد نیاز خود را تأمین نماید. به بیانی دیگر، تورق سنتی یک حيله قانونی و یک راه حقوقی برای دستیابی به نقدینگی به شمار می‌آید و به نوعی، راهی است برای فرار از حرام به سوی حلال. تورق جدید، که بیشتر بین افراد و بانک‌ها صورت می‌گیرد تا بین اشخاص حقیقی، به نام‌های تورق سازمان‌یافته، منظم و یا متشکل⁶ نیز مشهور بوده و هدف اصلی آن، جذب و تخصیص نقدینگی با اهداف اقتصادی بانک‌ها، نهادها و مؤسسات مالی می‌باشد. در تورق جدید، مشتری، کالایی را به طور اعتباری از یک بانک خریداری کرده و سپس خود بانک را وکیل در فروش آن کالا از جانب خود می‌کند. در نتیجه این فرایند، فرد کالایی را که به طور اعتباری خریداری کرده، تحویل نگرفته و تنها پول را مستقیماً دریافت می‌کند. تفاوت مهم بین تورق سنتی و جدید در همین نکته است که در تورق جدید، مشتری کالا را تحویل نمی‌گیرد و درگیر فروش آن نمی‌شود، اما در تورق سنتی، مشتری به راحتی می‌تواند بین نگاه‌داشتن کالای خریداری شده و یا فروش آن انتخاب کند.

⁵ - Saudi American Bank

⁶ - Organized Tawarruq



به عبارتی، از آنجا که تورق جدید روی کالاهایی است که به سختی توسط یک فرد در بازار به فروش می‌رود (مانند فلزات) و فرد به تنهایی برای فروش آن دچار مشکلات عدیده و هزینه‌های هنگفت می‌شود، در واقعیت موجود، همواره بانک و کیل و نماینده فرد متقاضی وجوه در فروش آن کالا می‌شود. از آنجا که هر دو طرف - فرد و بانک - می‌دانند که کالایی رد و بدل نمی‌شود، این عملیات شبیه آن شده که فرد، فارغ از احتمال نوسان‌های قیمت بازاری و ریسک‌های خرید و فروش آن کالا، تنها پول را گرفته و به مرور زمان اصل پول را به همراه مبلغی اضافه‌تر پس دهد. علاوه بر این در تورق سنتی، نقدینگی حاصل برای مشتری از نیروهای بازار حاصل می‌آید؛ حال آنکه در تورق جدید، یک نوع تخمین روی قیمت زده می‌شود و قرارداد با یک قیمت نقدی پایین بسته می‌شود.

۵. نقش تورق جدید در تجهیز و تخصیص منابع بانکی

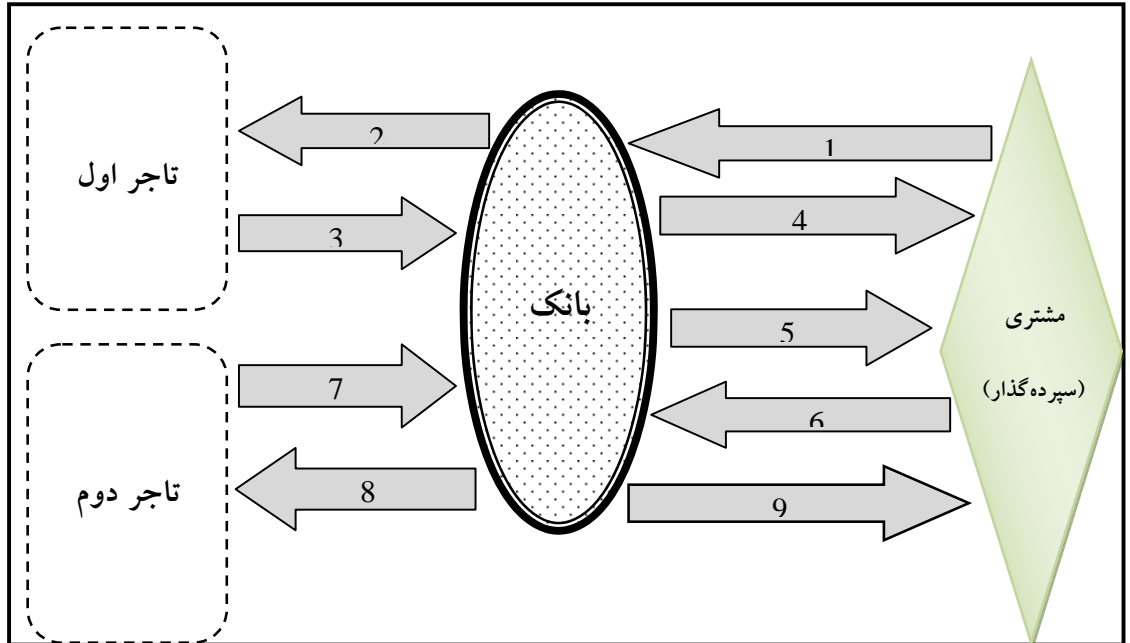
۱-۵. تجهیز منابع بانکی

تورق جدید در طرف تجهیز منابع از سه مرحله کلی تشکیل شده است. که عبارت‌اند از:

- الف - سپرده‌گذار، در خرید کالا، بانک را نماینده و وکیل خود می‌نماید. بر اساس این عقد وکالت، سپرده‌گذار وجهی را در اختیار بانک قرار می‌دهد تا بانک توسط آن و به وکالت از سپرده‌گذار، کالای مدنظر را به صورت نقدی خریداری کرده و آن را به سپرده‌گذار انتقال دهد.
 - ب - بانک همان کالا را به قیمتی افزون بر قیمت خرید نقدی به طور نسیه (قیمت خرید نقدی به علاوه مقداری سود) از سپرده‌گذار خریداری می‌کند.
 - ج - بانک آن کالا را به طور نقدی به تاجری غیر از تاجر اول (فروشنده اول) به همان قیمت اولیه خرید، می‌فروشد. در ضمن این مرحله، وجهی به حساب بانک واریز شده و کالا به خریدار نهایی منتقل می‌گردد.
- در نتیجه این سه مرحله، به جای آنکه بانک طی یک عملیات ربوی، سپرده‌ای را از سپرده‌گذار دریافت کند و به آن بهره بپردازد، بر اساس بیع تورق تجهیز منابع و انتقال وجه از سپرده‌گذار به بانک را ایجاد نموده است و سپرده‌گذار به واسطه تفاوت قیمت معامله نقدی و معامله نسیه‌ای کالا، صاحب سود ثابت می‌شود.



نمودار 1- سازوکار تجهیز منابع بانکی با استفاده از تورق



جدول 2- شرح عملیات نمودار 1

عملیات	مرحله
پرداخت پول همراه با اعطای وکالت خرید کالای مدنظر به بانک	1
خرید نقدی کالای مدنظر از تاجر اول	2
تحویل ⁷ کالا به بانک	3
تحویل کالا به مشتری	4
خرید نسیه‌ای همان کالا از مشتری	5
تحویل کالا به بانک	6
خرید نقدی کالا از بانک	7
تحویل کالا به تاجر دوم	8
پرداخت اقساط کالای خریداری شده در مرحله 5	9

⁷- این تحویل لزوماً تحویل فیزیکی نیست. همین که امکان تحویل گرفتن در هر لحظه برای خریدار مهیا باشد، کفایت می‌نماید.



2-5. تخصیص منابع بانکی

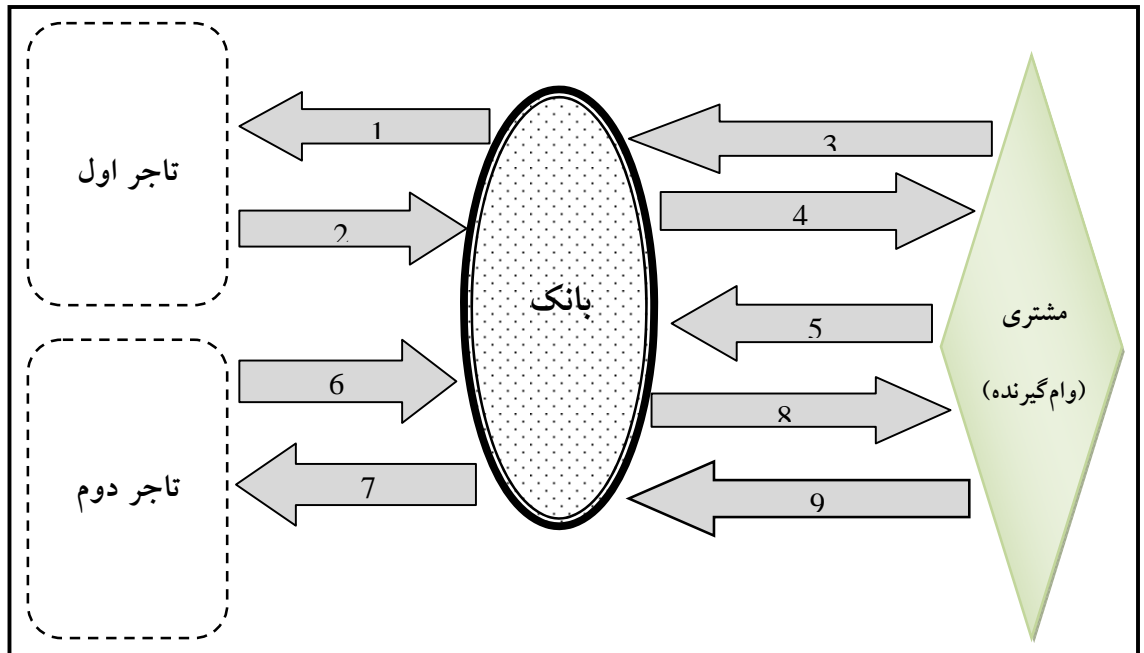
تورق جدید در طرف تخصیص منابع نیز سه مرحله کلی دارد که عبارت‌اند از:

الف - بانک با منابع خود از بازار، کالایی را به طور نقد خریداری می‌کند. از این پس بانک، مالک آن کالا شناخته خواهد شد.
ب - بانک، کالایی را که به طور نقد خریداری نموده است، به طور نسبه به مشتری خود می‌فروشد. طبیعتاً قیمت نسبه این کالا همان قیمت خرید نقدی آن به علاوه مقداری سود خواهد بود. در این حالت مشتری صاحب کالا شده و موظف است که قیمت نسبه‌ای آن را به مرور زمان به بانک پرداخت نماید.

ج - مشتری، بانک را وکیل خود می‌کند که کالا را در بازار به تاجری غیر از تاجر اول (فروشنده اول) به طور نقد بفروشد و بهای آن را به حساب مشتری واریز نماید.

در نتیجه این سه مرحله، مشتری به نقدینگی مورد نیاز خود دست یافته و بانک بدون آنکه از مشتری بهره‌ای دریافت نماید، از سود حاصل از تفاوت بهای بیع نقدی و بیع نسبه‌ای کالا برخوردار می‌گردد.

نمودار 2- سازوکار تخصیص منابع بانکی با استفاده از تورق





جدول 3- شرح عملیات نمودار 2

مرحله	عملیات
1	خرید نقدی کالا از تاجر اول
2	تحویل ⁸ کالا به بانک
3	خرید نسیه‌ای همان کالا از بانک
4	تحویل کالا به مشتری
5	اعطای وکالت فروش همراه با تحویل کالا به بانک
6	خرید نقدی کالا از بانک
7	تحویل کالا به تاجر دوم
8	پرداخت پول به مشتری
9	پرداخت اقساط کالای خریداری‌شده در مرحله 3

6. تفاوت تورق و توریق⁹

برخی از محققان درباره تورق و توریق دچار سردرگمی و اشتباه شده‌اند. تعریف تورق همان است که در بالا به آن اشاره شد ولی توریق به اقدامی در آینده برمی‌گردد؛ بدین معنا که فرد و یا نهاد مدیون، بدهی خود به فرد یا نهاد دیگر را توسط اوراق به تعویق می‌اندازد. به عبارتی، فرد و یا نهادی که بدهکار است، با انتشار و فروش اوراق بهاداری با قیمت پایین‌تر از آنچه بر روی آن اوراق نوشته شده است، وجوه مورد نیاز را جمع‌آوری کرده و توسط آن، بدهی خود را پرداخت می‌نماید. پس از این مرحله، صاحبان اوراق به مرور زمان اوراق خود را به قیمت اسمی مندرج بر آن (پول پرداختی خود به علاوه مبلغی اضافه‌تر) از ناشر اوراق پس می‌گیرند. به عبارتی صاحبان اوراق، بدهی مدیون را در زمان حال داده‌اند با این شرط که مدیون، در آینده مبلغی بیشتر از مبلغ اولیه به آنان پرداخت نماید. از آنجا که این نوع انتقال بدهی با یک مازاد بدون توجیه شرعی همراه است، ربا بوده و صحیح نیست. وجه شرعی و درست آن در شریعت، حواله است که زیادتی در پی ندارد (فاضل الدبوی، بی تا).

7. جواز یا عدم جواز تورق

سؤالی که در اینجا طرح می‌شود آن است که چرا فقها در گذشته در مورد تورق بحث‌های چندانی نداشته‌اند؟ جواب این پرسش شاید این باشد که در گذشته، فقها با جهانی متفاوت روبه‌رو بودند و در بعد اقتصاد کلان برای تحلیل اثرات تورق، ابزاری در دست نداشتند. گرچه در آن دوران منافع و مصالح فردی تورق به راحتی قابل درک و مشاهده بوده، اما مضرات و مفسدات کلان آن چندان مشهود و ملموس نبوده است. همچنین بدهی، در اقتصاد دوره‌های گذشته نقشی بزرگ، همانند نقشی که امروزه در اقتصاد دارد، نداشته است. ابزارهای بدهی به سختی وجود داشتند و در فعالیت‌های اقتصادی به کار گرفته می‌شدند و در گذشته به هیچ عنوان بازار بدهی مشابه امروز وجود نداشته است. تجارت، صنعت و کشاورزی عمدتاً توسط ثروت و دارایی‌های شخصی، اعتبار تجاری و شراکت، تأمین مالی می‌شدند. تجار و بازرگانان بر روی قیمت کالا و خدمات واقعی متمرکز بودند تا ابزارهای بدهی. نوسان‌های اقتصادی از خشکسالی، قحطی، سیل، جنگ‌های طولانی، آفت‌زدگی محصولات کشاورزی و یا تغییرات بزرگ در جمعیت نشأت می‌گرفت تا تغییر و تحولات بخش مالی. از این بابت، بحث‌های مفصلی درباره تورق میان فقها و اندیشمندان شکل نگرفته است.

⁸ این تحویل لزوماً تحویل فیزیکی نیست. همین که امکان تحویل گرفتن در هر لحظه برای خریدار مهیا باشد، کفایت می‌نماید.

⁹ - Tawriq



تورق سنتی در نظر اکثر فقها بلااشکال می‌باشد؛ ولیکن صحت تورق جدید چندان مورد اجماع آنان قرار ندارد. جواز شرعی استفاده از تورق جدید، منوط به مجموعه‌ای از ویژگی‌هاست که عدم توجه به آنها باعث خدشه‌دار شدن جواز استفاده از آن می‌شود. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره داشت (حسن، 2010):

1. کالا بایستی ویژگی‌های یک کالای قابل‌معامله را داشته باشد. مثلاً تورق بر روی آلومینیومی که خورده‌شده و بیش از ده سال در انبار بوده، از نظر کارشناسان باطل و غیرمجاز است.
2. کالا بایستی به یک فرد فروخته شود. از آنجا که انتقال کالا به طور ملموس صورت نمی‌پذیرد، احتمال فروخته‌شدن یک کالا به بیش از یک خریدار وجود دارد.
3. قراردادهای بایستی نسبت به هم وابسته و مشروط نباشند. به عنوان مثال در یک شکل از تورق جدید، سه قرارداد وجود دارد: الف) بانک کالا را به طور نقدی از دلال می‌خرد؛ ب) بانک آن کالا را به صورت نسیه به مشتری می‌فروشد؛ ج) مشتری آن کالا را به طور نقدی به دلال می‌فروشد. هر کدام از این سه قرارداد بایستی غیرمشروط به یکدیگر باشند.
4. توانایی در تسلیم کالاها نباید دچار ابهام باشد. یعنی فرد خریدار که مختار به استفاده‌کردن از کالای خریداری شده است، هرگاه بخواهد کالا را تحویل بگیرد، بایستی آن کالا واقعاً قابل تحویل و تسلیم به وی باشد؛ یا اگر بخواهد کالا را به فردی دیگر بفروشد، این امکان به طور کامل برای او وجود داشته باشد.
5. کالا نمی‌بایست به خریدار اول بازگردد. از آنجا که حجم کالاها در بازار بسیار زیاد است، تشخیص این امر به سختی ممکن است.

گفتنی است که مهم‌ترین عاملی که باعث شبهه‌دار شدن تورق می‌شود آن است که گاهی اوقات، تورق همانند بیع‌العینه فرض می‌شود. مشخص است که بین تورقی که صحیح اجرا شود و بیع‌العینه، تفاوت وجود دارد. در بیع‌العینه، دو نفر حضور دارند ولی در تورق، سه نفر؛ نفر اول کالایی را به طور نسیه به نفر دوم می‌فروشد، سپس فرد دوم کالا را به طور نقدی به فرد سوم می‌فروشد. در تورق، فرد سوم متفاوت از فرد اول است اما در بیع‌العینه، بین نفر اول و سوم تفاوتی وجود ندارد.

البته معامله بیع‌العینه خود به دو صورت قابل تصور است: یک صورت آن است که صاحب کالایی، کالای خود را به فردی به طور نقد می‌فروشد. سپس وی باز خرید همان کالا را به صورت نسیه به خریدار پیشنهاد می‌دهد. در این حالت اگر معامله دوم اتفاق بیفتد، دو معامله مجزا از هم بوده و به اعتقاد مشهور فقهای شیعه، اشکالی ندارد. اما بیشتر اوقات، صاحب کالا، کالای خود را به طور نقدی می‌فروشد، به این شرط که خریدار آن را به مبلغ معینی به طور نسیه به وی بفروشد؛ و یا خریدار، کالا را به صورت نقدی می‌خرد، به شرط آنکه فروشنده همان کالا را به مبلغ معینی به صورت نسیه از وی باز خرید نماید. این نوع از بیع‌العینه که بیشتر مدنظر ما قرار دارد، تشابه بسیاری به ربا داشته و به اعتقاد مشهور فقها باطل است. غالب ادله فقهای قائل به ابطال این نوع معامله، معطوف به نبود قصد جدی معامله، لزوم ایجاد دور، حيله (غیرشرعی) ربا و وجود نص صریح می‌باشد (موسویان، 1386، 361-362).

گاهی اوقات تورق را نوعی دیگر از عقد مرابحه قلمداد نموده و اوراق منتشرشده مبتنی بر آن را نوعی از انواع اوراق مرابحه می‌دانند. این اوراق، اوراق باز خرید دارایی‌ها بوده که ناشر، دارایی‌های دولت، سازمان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی را خریده و سپس با بهایی بالاتر به صورت نسیه به خود آنان می‌فروشد و در مقابل آن، اسناد بهاداری با مبالغ و سررسیدهای معین دریافت می‌کند. ناشر می‌تواند تا سررسید منتظر مانده و مبلغ اسمی اسناد را از خریداران دریافت کند؛ و یا آن اسناد را در بازار ثانویه تنزیل نماید. همانند قبل، اگر در این معامله شرط و تبانی‌ای مبنی بر لزوم خرید نسیه‌ای کالای فروخته‌شده توسط فروشنده وجود نداشته باشد، به اعتقاد مشهور فقهای شیعه بلااشکال بوده، در غیر این صورت مصداق بیع‌العینه¹⁰ بوده و باطل است. همچنین خود بحث تنزیل این اسناد در بازار ثانویه نیز مورد اختلاف و بحث قرار دارد (موسویان، 1386، 357-361).

این نکات مهم در نگاه نهادهای فقهی اسلامی نیز مغفول نمانده است. انجمن بین‌المللی فقه اسلامی¹¹ سازمان همکاری اسلامی (کنفرانس اسلامی) بیان داشته است که در صورتی که کالا توسط فرد نیازمند به نقدینگی به فروشنده اول فروخته نشود، تورق مجاز می‌باشد. همچنین به اعلام این انجمن، تورق به دو نوع تورق فقهی (سنتی) و تورق مصرفی (جدید) تقسیم می‌شود. این انجمن، تورق نوع اول را مجاز ولی تورق نوع دوم را به

¹⁰ در این مقاله، مراد از بیع‌العینه، صورت دوم آن است که باطل می‌باشد.

¹¹ International Islamic Fiqh Academy (IIFA)



شکلی که امروزه در بسیاری از بانک‌های اسلامی جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد، به دلیل غرری بودن معامله و فرض وجود عامل ربا در آن، غیرمجاز دانسته است. افزون بر این، اعلام شده است که بانک‌های اسلامی بایستی از این نوع ابزارهایی که از اهداف شریعت انحراف دارد پرهیز نمایند. بر اساس استاندارد شماره 30 سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی¹²، کالای مورد معامله در تورق بایستی به فردی غیر از فروشنده اول که کالا را به طور قسطی فروخته است فروخته شود. همچنین ممنوعیت شورای بین‌المللی انجمن فقه¹³ برای جایی است که یکی از این موارد رخ دهد: اول، تنها دو طرف واقعی وجود داشته باشد و با طرف سوم به صورت واقعی ارتباطی برقرار نباشد. دوم، یک خرید و فروش همزمان مخفی و صوری در آن وجود داشته باشد. سوم، حیل‌های برای مبادله تعیبه شود که در آن یک نرخ بازدهی ثابت جاسازی گردد. از این‌رو تورق جدید نمی‌تواند مبادله و معامله شود، مگر آنکه دقیقاً شرایط خود را داشته باشد (خان، 2009).

سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی و شورای بین‌المللی انجمن فقه هر دو یک پیام مشترک در خصوص تورق دارند و آن هم این است که: «یا درست انجامش بده یا اصلاً انجام نده»¹⁴ (خان، 2009). در مجموع، می‌توان چنین استنباط نمود که غالب فقهای اهل تسنن تورق در بانک را به شرط برقراری قیود زیر مجاز دانسته‌اند:

1. کالایی موجود باشد و قبل از فروش آن به مشتری، بانک صاحب آن کالا بوده و آن را تحویل گرفته باشد.
 2. مشتری بایستی کالا را بفروشد، مگر آنکه آن را از بانک خریداری کرده و به طور قانونی آن را دریافت نموده باشد.
 3. کالا نباید در فروش دوم به نفر اول بازگردد، زیرا این امر بیع‌العینه می‌شود و از لحاظ شریعت ممنوع است. به عبارتی، اگر بانک خودش آن کالا را به عنوان یک واسطه از مؤسسه مالی خریداری کرده باشد و آن را به طور اقساطی به مشتری فروخته باشد، جایز نیست که آن کالا را به همان مؤسسه مالی اول بفروشد.
 4. هیچ منعی وجود ندارد اگر مشتری، بانک را برای فروختن کالا از جانب او وکیل خود کرده باشد، البته به شرطی که قرارداد نمایندگی و وکالت، غیروابسته به قرارداد فروش بوده و پس از توافق با بانک امضا شده باشد.
- با این شرایط، غالب فقهای اهل سنت و همچنین اغلب ناظرین شریعت، نهادهای مالی اسلامی تورق واقعی را جایز دانسته‌اند. به عبارتی، تورق به خودی خود ممنوع نیست، بلکه رعایت نشدن شرایطش باعث ممنوعیت آن می‌شود. اگر تورق به درستی اجرا شود و از انحراف و نقض شرایط به دور باشد، استفاده از آن در نظام بانکی بلامانع خواهد بود. اما اگر تورق به نوعی اجرا شود که در آن امکان تحویل کالا نه برای بانک و نه برای مشتری‌ای که آن را می‌خرد وجود نداشته باشد و مشتری از بانک بخواهد که قبل از آنکه توافقات بین وی و بانک نهایی شده باشد، از طرف وی کالا را بخرد و سپس به فروش برساند؛ غالب فقها و کارشناسان و بازرسان شریعت، استفاده از این نوع تورق را ممنوع می‌دانند. اهم ادله آنان بدین نحو است که نخست، این معامله متوجه رباست؛ زیرا فرد، نقدینگی را از بانک گرفته و با مقداری بیشتر، آن را به بانک بازمی‌گرداند. در عرف به چنین معامله‌ای خرید کالا گفته نمی‌شود و حقیقت این معامله آن است که بانک مبلغی را با نرخ مشخص به مشتری قرض ربوی داده است. در این وضعیت مشتری نه کالا را می‌بیند و نه در خرید آن چانه‌زنی می‌کند؛ نقش مشتری تنها امضاکردن کاغذهای قرارداد و واریز شدن پول به حساب وی می‌باشد. دوم، این معامله در اصل همان بیع‌العینه از نوع حرام می‌باشد؛ زیرا کالا به هیچ عنوان منتقل نمی‌شود و در عوض بر روی آن بارها و بارها معاملاتی وابسته به هم انجام شده و تنها کاغذهایی بین بانک و مشتری و فروشنده کالا رد و بدل می‌شود.

۸. خلاصه و نتیجه گیری

در حال حاضر کاربرد دو نوع تورق قابل تصور می‌باشد: تورق سنتی و تورق جدید. عمده فقهای گذشته و اخیر تورق سنتی را پذیرفته‌اند و آن را به دور از ربا دانسته‌اند. لیکن تورق جدید، آن گونه که اکنون اجرا می‌شود، به وسیله غالب فقهای معاصر منع شده است؛ از این‌رو تنها زمانی می‌توان از این نوع

¹²- Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions (AAOIFI)

¹³- International Council of Fiqh Academy (ICFA)

¹⁴- Either do it properly, or don't do it all



تورق استفاده نمود که شرایط و اصولی که برای آن تعریف شده است، به طور کامل رعایت گردد. به عبارتی، تورق به خودی خود ممنوع نیست، بلکه رعایت نشدن شرایط آن باعث ممنوعیتش می‌شود. با این حساب اگر از این ابزار به درستی استفاده گردد و از انحراف و نقض شرایط آن دوری شود، استفاده از آن در نظام بانکی بلامانع خواهد بود.

در خاتمه بیان این تذکر لازم است که اساس به‌کارگیری تورق، به عنوان یک حیلۀ قانونی و یک راه حقوقی و درست برای دستیابی به نقدینگی است. از این جهت، بهانه قراردادن این تأیید به منظور رویه‌سازی و گسترش این روش، به طوری که مانع حرکت اقتصاد اسلامی در مسیر طبیعی آن شود درست نمی‌باشد. بدیهی است که در یک نظام بانکی با انبوهی از مشتریان و متقاضیان تسهیلات، اجرای تورق صحیح و بر اساس ضوابط شرعی، بسیار سخت و هزینه‌بر بوده و گسترش تورق در چنین نظام بانکی‌ای باعث رشد حجم بدهی‌ها، افزایش بی‌ثباتی‌های اقتصادی، ناکارایی در تخصیص منابع و تضعیف تفاوت بین بانکداری اسلامی و بانکداری ربوی می‌شود. بنابراین با توجه به واقعیت‌های موجود و ظرفیت‌های حاضر، بایستی تلاش شود که استفاده گسترده از تورق در نظام بانکی محدود شده و تا جایی که ممکن است برای تأمین مالی پروژه‌ها از عقود مشارکت و مضاربه استفاده شود. از این رو ضروری است که به‌کارگیری تورق به عنوان یک حیلۀ شرعی مجاز، تنها برای مواقعی باشد که امکان استفاده از عقود متداول محدود بوده و روش رباخواری در شرف اجرایی شدن قرار داشته باشد.

۹. منابع و مأخذ

- ابن منظور، محمد بن مکرم. (1414 ه.ق). *لسان العرب*. ج 10. بیروت: دار صادر. چاپ سوم.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (1378). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. ج 2. تهران: گنج دانش.
- فاضل الدبوی، ابراهیم. (بی تا). *التورق، حقیقت، انواعه (الفقهی المعروف و المصرفی المنظم)*. دوره التاسعه عشره، اماره الشارقه. دوحه: مجمع الفقه الاسلامی الدولی.
- موسویان، سیدعباس. (1386). *ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- Hasan, Aznan. (2009). Why Tawarruq Needs To Stay: Strengthen the practice, rather than prohibiting it. *Islamic finance news*, 18 sep.
- Hasan, Aznan. (2010). Tawarruq: concept and principles. *Global Islamic finance magazine*, Nov.
- Ibn Manzoor, al-Afriqiyy. (1408). *Daru ihyah turath*. Beirut.
- Kahf, Monzer. (2004). Outlines of Brief Framework of Tawarruq (Cash Procurement) and Securitization in Shariah and Islamic Banking. *seminar of the AAOIFI Bahrain*.
- Khan, Salman H. (2009). Why Tawarruq Needs To Go: AAOIFI and the OIC Fiqh Academy: Divergence or agreement? *Islamic finance news*, 4, sep.
- Siddiqi, Mohammad Nejatullah. (2007). Economics of Tawarrug its Mafasid overwhelm the Masalih, position paper to be presented at the Workshop on *Tawarruq: A Methodological issue in Sharī'a-Compliant Finance*, 1, February.
- Shalhoob, Salah Fahd. (2007). Organised *Tawarruq* in Islamic Law: A Study of Organised *Tawarruq* as Practised in the Financial Institutions in Saudi Arabia; and it was presented in the a *conference in the International Islamic University of Malaysia*, 23-25, April.